

نگاهی به سیره اقتصادی پیامبر خدا (ص)

<?xml encoding="UTF-8">

چکیده

قرآن کریم در سوره احزاب آیه 21، حضرت رسول اکرم (ص) را به عنوان الگویی نیکو معرفی می کند. رفتار و گفتار آن حضرت در ابعاد گوناگون آموزنده، قابل فهم و همت تازه است. در این مقاله مباحثی مرتبط با اقتصاد، چون اهمیت به کار و تلاش، تدبیر و میانه روی، پایبندی به قرارداد، قرض الحسنه، عفو و گذشت از بدهکار، انفاق، ترغیب به کار و کشاورزی، اشتغال زایی، فقرزدایی، مبارزه با اشرافی گری و امتیازخواهی، سنت وقف و ترویج ساده زیستی آن حضرت به اختصار بیان شده است.

کلیدواژه ها: پیامبر اعظم (ص)، سیره، اقتصاد

سیره اقتصادی پیامبر اعظم (ص) می تواند موضوع یک پژوهش مفصل با ابعاد گوناگون قرار گیرد. منظور ما از سیره اقتصادی پیامبر اعظم (ص)، آن دسته از گفتار و کردار آن حضرت، و یا تأییدات ایشان بر گفتار و کردار دیگران است که ارتباط مستقیم یا غیر مستقیم با موضوعات اقتصادی دارد، و از جمله آنها، احکام فقهی است. در این نوشتار، برخی از این مباحث، به اختصار و به فراخور حجم مقاله، بیان گردیده است.

1. اهمیت دادن به کار و تلاش

وجود مبارک پیامبر اعظم (ص) به کار و تلاش اقتصادی در جهت تأمین معاش روزمره بسیار اهمیت می دادند و در کنار این رهنمود، که: «دوستی دنیا ریشه همه بدیهاست.»، می فرمودند: «الْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ كَمُجَاهِدٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» یعنی کسی که با دسترنج خویش زندگی و معاش خود و عیالش را تأمین کند، مانند رزمنده ای است که در راه خدا می جنگد.» و نیز: «طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ» به دست آوردن روزی حلال بر هر زن و مرد مسلمان واجب است.

آن وجود مبارک خود از کودکی، مخالف بطالت و تنبلی و دائم در حال تلاش سازنده بود. در یکی از روزهایی که در کفالت حلیمه بود از او پرسید: برادرانم روزها کجا می روند؟ حلیمه گفت: گوسفندان را به چراگاه می برند. گفت: من هم از امروز با آنان خواهم بود.

در هفت سالگی ایشان را دیدند که خاک و کلوخ در دامن ریخته و در خانه سازی عبدالله بن جُدعان کمک می کند. در طول زندگی او دیده نشد که روزی را به بیهودگی بگذرانند. در مقام نیایش همیشه می فرمودند: خداوندا از بیکاری و تنبلی و زبونی به تو پناه می برم.

مدتی نیز به شبانی گوسفندان ابوطالب می پرداخت. در اولین سفر تجاری به همراه ابوطالب به شهر بُصری رفت و رموز کار تجارت را در ضمن آن فرا گرفت. در کتاب های تاریخی آمده است که پیامبر مدّتی از عمر خویش را به

چوپانی گذراندند. این جمله را از ایشان نقل نموده اند که فرمود: «من مدّتی گوسفندان اهل مکه را در سرزمین «قراریط» شبانی می کردم .

ابوطالب به دنبال انتخاب شغل مناسبی برای برادرزاده خود، به وی پیشنهاد کرد نزد «خدیجه بنت خویلد» بروند و با سرمایه او تجارت کنند. حضرت با ایشان قرارداد مضاربه بست که در منافع کالا سهیم باشد. او مال التجاره را در شام به فروش رسانید و با سود فراوان بازگشت . از برخی کتابهای تاریخی استفاده می شود که در زمان پیامبری که فرصت تجارت و شبانی نبود، حضرت اکثر اوقات خود در خانه را به دوزندگی می گذرانده است .

به گواهی امام موسی کاظم (ع)، حضرت پیامبر (ص) با دست خودکار می کردند و از آن ارتزاق می نمودند. حسین بن علی بن حمزه از پدرش نقل می کند که امام کاظم (ع) را دیدم که در زمین خود سخت کار می کردند و از تمام وجود ایشان عرق می ریخت . به او گفتم : فدایت شوم مردان کجایند؟ فرمود: علی ، بدان کسانی کار می کردند که از من و پدر من برتر بوده اند! گفتم : چه کسانی ؟ فرمود: رسول خدا (ص) و امیر مؤمنان (ع) و تمام پدران من با دستان خود کار می کردند و تلاش کار، سیره پیامبران ، جانشینان و همه صالحین است .

حضرت علی (ع) نیز (به پیروی از رسول خدا (ص) هرگاه از کار جهاد فارغ می گردید به تعلیم و آموزش و قضاوت بین مردم مشغول می شد و هرگاه از این کار نیز فارغ می گشت ، در باغی که داشت ، سرگرم کار می شد و در همه حال به یاد خدا و در حال ذکر بود.

در وسائل الشیعه آمده است که خداوند به حضرت داود وحی نمود که ای داود، اگر از بیت المال نگیری و از دسترنج خویش بخوری ، بنده خوبی هستی ! حضرت داود چهل روز گریه می کرد و بعد از آن برای معاش خود کار کرد و از بیت المال بی نیاز گردید.

پیامبر اعظم (ص) بهترین کارها را کاری می دانست که با دست انجام پذیرد و از میان کسب ها بزازای و عطر فروشی را می ستود. او اهل حِرَف را می ستود و می فرمود: خداوند اهل حرفه امین را دوست دارد.

2. تدبیر و میانه روی

تدبیر به معنای عاقبت اندیشی و تفکر و حسابگری در کارها است . هرگاه کارها با تفکر و تدبیر همراه شود، موفقیت و پیشرفت را به دنبال خواهد داشت . به ویژه اگر میانه روی نیز سرلوحه کار قرار گیرد. علامه طباطبایی می گوید:

بی تردید زندگی انسان یک زندگی مبتنی بر تفکر بوده و بدون آن زندگی او سامان نمی یابد. و هر چه فکر صحیح تر و تمام تر باشد زندگی بهتر و محکم تر خواهد بود.

از صفات حمیده حضرت ، سکوت و اندیشیدن دائمی بود. او هیچ کاری را بدون تفکر انجام نمی داد. امام حسین (ع) گوید از پدرم امیر مؤمنان در مورد سکوت آن حضرت سؤال کردم . فرمود: سکوت حضرت به دلیل بردباری ، دوراندیشی ، اندازه قرار دادن و تفکر بود. مردی نزد رسول خدا (ص) آمد و گفت : یا رسول الله مرا اندرزی ده . حضرت فرمود: اگر نصیحت کنم عمل می کنی ؟ مرد جواب مثبت داد. (حضرت سه بار این سؤال را تکرار کردند) آنگاه فرمود:

إِذَا أَنْتَ هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ فَإِنْ يَكُ رُشْدًا فَاَمْضِهِ وَ إِنْ يَكُ غَيًّا فَانْتَهُ عَنْهُ.

هرگاه تصمیم به انجام کاری داشتی در عاقبت کار بیندیش ، پس اگر عاقبت آن رشد (پیشرفت) بود انجام بده و اگر عاقبتش ضلالت و گمراهی بود آن را رها کن .

همچنین حضرت چنین فرمود:

دعای چند طایفه مستجاب نمی گردد: کسی که مال خود را بدون نوشته و شهود قرض دهد. کسی که تمامی مال خود را که خداوند به او داده در راه او انفاق کند و چیزی برای خود نگاه نداشته ، به درگاه خداوند دعا کند که به من روزی بده . خداوند می گوید: مگر من به تو ثروت ندادم ، چرا میانه روی نکرده و اسراف نمودی ؟ همچنین مردی که به دنبال کسب و روزی نرود و بگوید: خداوند! به من روزی عنایت کن . خداوند گوید: بنده من ! راه را بر تو نبستم و تو را سالم نمودم و زمین من هم واسع است چرا بیرون نمی روی و طلب روزی نمی کنی ؟ در کلیه رفتار و اعمال حضرت رسول اکرم (ص)، میانه روی به چشم می خورد. امام علی (ع) در وصف رفتار آن بزرگوار چنین فرمود:

او پیشوای پرهیزکاران و وسیله بینایی هدایت خواهان و... راه و رسم زندگی او میانه روی بود.

در همین رابطه ، پیامبر (ص)، خود خطاب به مردم فرمود:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلَيْكُمْ بِالْقَصْدِ عَلَيْكُمْ بِالْقَصْدِ عَلَيْكُمْ بِالْقَصْدِ.

مردم ، بر شما باد میانه روی ! بر شما باد میانه روی ! بر شما باد میانه روی !

تأکید فراوان روایات به شکل های گوناگون بر میانه روی نشانگر آن است که عدم رعایت این اصل مهم چه در مسائل عبادی و معنوی و چه در مسائل مادی و اقتصادی ، موجب بروز مشکلات و ناراحتی ها خواهد گردید.

میانه روی ، درخواست خدا از پیامبر (ص)

امام صادق (ع) فرمودند: کسی از پیامبر چیزی نمی خواست مگر آنکه آن حضرت می بخشید. یکبار زنی پسرش را خدمت حضرت فرستاده و گفت : «نزد پیامبر (ص) برو و از او چیزی بخواه . اگر فرمود چیزی نزد ما نیست ، بگو پیراهنت را به من بده !» امام صادق فرمود: رسول خدا (ص) پیراهن خود را درآورد و به او داد. در این هنگام خداوند پیامبرش را به میانه روی سفارش نمود و این آیه را نازل نمود: که دست خود را بسته به گردن خویش میفکن (ترک انفاق و بخشش منما) و کاملاً هم باز مگذار تا اینکه ملول و تهیدست گردی ! رعایت همین سیره از طرف امام صادق (ع) نمونه جالبی است : صبیح بن ولید می گوید: بین مکه و مدینه ، همراه امام صادق (ع) بودم . گدایی آمد. امام به او چیزی دادند. همچنین به گدای دوم و سوم چیزی دادند، ولی در پاسخ گدای چهارم فرمود: خداوند تو را سیر فرماید. آن گاه به ما رو کرد و فرمود: چیزی با ما بود که به او بدهیم ، ولی ترسیدم جزء یکی از آن سه دسته ای باشم که دعای آنان مستجاب نمی گردد.

3. پای بندی به قرارداد (معامله)

در روایات متعدد، پیامبر اکرم (ص) خود را «امین» معرفی کرده است . او به تمام معنا امین بود و میزان پای بندی حضرت به قرار و پیمان موجب شگفتی است . در تاریخ آمده که جوانی پیش از بعثت با پیامبر (ص) معامله ای کرد و مقداری از آن باقی ماند. با آن حضرت در مکانی قرار گذاشت ، تا آن را تحویل دهد. اما قرار را فراموش کرد. پس از سه روز به خاطرش آمد. پس به آن محل رفت و مشاهده کرد که حضرت در آنجاست ! حضرت به او فرمود: «ای جوان مرا سخت ، زحمت انداخته و در محظور قرار داده ای که سه روز در اینجا منتظر تو هستم ! پیامبر اعظم (ص) هیچ گاه در قول و قرارهای خود اعم از پیمان های اقتصادی یا اجتماعی و سیاسی

خلاف قرار داد و پیمان خویش عمل نکرد. از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: روزی پیامبر (ص) با مردی قرار گذاشت که در کنار صخره ای در انتظار او بماند تا او برگردد. حرارت شدید آفتاب باعث رنج پیامبر در کنار آن صخره گردید. یاران گفتند: چه می شود اگر به سایه بروی؟ فرمود: میعادگاه ما همین نقطه است. در اینجا می مانم اگر نیاید خلف وعده از او سر زده است.

4. قرض الحسنه

سنت و سیره رسول خدا (ص) قرض گرفتن و دادن و ادای قرض به وجهی نیکو بود. خود حضرت بارها در ایام زندگی با برکتش، قرض می گرفت و به وجهی بهتر ادا می نمود: **كَانَ (ص) يَسْتَقْرِضُ الدَّرَاهِمَ الْفُسُولَةَ (ای الرزيلة) وَ يُرِدُّ الْجِيَادَ.** حضرت درهم های معیوب را که قرض می گرفت هنگام بازپرداخت آنها را صحیح و سالم ادا می نمود. سائلی نزد رسول خدا (ص) آمد و خیری طلب نمود. حضرت فرمود: کسی هست که به ما قرض دهد؟ یکی از انصار گفت: نزد من هست. رسول اکرم (ص) فرمود: چهار وسق (حدوداً معادل 6 کیلو) خرما به این سائل بده. چون خرما را به سائل داد، بعد از مدتی نزد حضرت آمد و قرض خود را طلب نمود. حضرت هشت وسق خرما به این مرد داد. آن مرد انصاری گفت یا رسول الله (ص) من چهار وسق داده بودم. فرمود: چهار وسق دیگر را ما به تو بخشیدیم.

از عامربن عبدالله چهل هزار درهم قرض گرفت وقتی مالی به مدینه رسید. او را خواست و فرمود: «مال خود را بگیر، خداوند به مالت برکت دهد. پاداش قرض کردن وفا کردن است.»

5. انفاق

پیامبر اعظم (ص) نمونه سخاوت و انفاق بود. هیچ نیازمندی را رد نمی کرد و اگر چیزی نداشت با سخن لطیف و خوش، دل او را شاد می نمود. هیچ گاه از او چیزی درخواست نشد که حضرت در جواب به آن «نه» بگوید. اگر مشغول نماز بود و کسی پهلوی او می نشست نماز خود را کوتاه می کرد و به سوی او برمی گشت که آیا حاجتی داری؟

اگر چیزی هم برای بخشش نداشت وعده بخشش می داد.

مردی نزد او آمد و چیزی خواست، فرمود: «اکنون چیزی موجود نیست هر چه خواهی برعهده من خریداری کن وقتی مالی رسید ادا می کنم.» عمر گفت: یا رسول الله خداوند تو را به آنچه توانایی نداری مکلف نساخته است! پیامبر گفتار عمر را مکروه دانست. سپس یکی از انصار گفت: یا رسول الله هر چه خواهی ببخش که از جانب صاحب عرش کمبودی نخواهی داشت! پیامبر تبسم نمود و فرمود: به چنین رفتاری فرمان داده شده ام. در انفاق، اهمیت و اولویت را به نزدیکان می داد. ابوطلحه باغی داشت که گاهی پیامبر برای تفرج به آنجا می رفت و از آب چاه آن می نوشید. گفت: یا رسول الله (ص) آن را در هر راهی می دانی انفاق کن. فرمود: این مالی سودآور است. از تو قبول کردم و به خودت بازگردانیدم که به نزدیکان خود تصدق کنی. آن حضرت از سؤال و تکدی نهی می فرمود. و می گفت: هر کس آن قدر مال داشته باشد که محتاج نباشد و سؤال کند، آتش جهنم را برای خود زیاد کرده است. و فرمود هر کس فقیر نباشد و گدایی کند، همانا اخگر آتش (جهنم) را جویده است.

سیره رسول اعظم (ص)، وقف اموال خود به منظور رسیدگی به ایتم ، در راه ماندگان و فقیران و... بوده است . مردی از یهودیان به نام مخیریق که در جنگ احد مسلمان شده بود، همراه سپاه اسلام در جنگ با مشرکان شرکت داشت . وی در جمع مردم وصیت کرد: «اگر من کشته شوم ، هفت قطعه از باغهای من از آن رسول خدا (ص) باشد.» بعد از شهادت او باغها در سال سوم هجری به ملک پیامبر (ص) درآمد. تا سال هفتم هجری کارگران رسول خدا (ص) آن باغها را اداره می کردند تا اینکه در همان سال باغها را بنی هاشم و اولاد او وقف نمودند. در مدارک و مصادر تاریخی ، از زمینهای دیگری به نام صدقات رسول خدا (ص) نام برده شده است . از جمله زمینی که حضرت برای صدقه به ابن السبیل قرار داد. در قبا، نخلستانی بوده به نام «بویره» که از صدقات رسول خدا (ص) بوده و وقف بر فقیران و بینوایان بوده است . همچنین نقل شده که پیامبر (ص) در خیبر موقوفه هایی داشته که از عواید و منافع آنها، به میهمانان خود انفاق می کرده است . بخاری صاحب یکی از صحاح سته گوید: «نوشته یا نوشته هایی در دست علی (ع) بوده که وقف های پیامبر (ص) در آن نوشته شده بود.»

این مطلب دلالت دارد که رسول خدا (ص) دارای موقوفات فراوانی بوده است . رسول خدا (ص) بر هر نیکی و حسنه ای سبقت می جست و وقف که یکی از سنت های حسنه و صدقه جاریه محسوب می شود. مورد تشویق و ترغیب آن حضرت بوده است . امام صادق (ع) فرمودند:

هیچ پاداشی انسان را بعد از مرگ تعقیب نمی کند مگر در سه مورد: صدقه ای که در زمان حیات بدهد؛ این صدقه پس از مرگش تا روز قیامت به عنوان صدقه موقوفه جریان پیدا کند. یا سنتی نیکو بنیان نهد که خود به آن عمل کرده دیگران نیز عمل کنند و یا فرزندی که برای او طلب مغفرت نماید.

7. مهلت به بدهکار و بخشش بدهی او

حضرت در مورد بدهکاری نیز حساسیت عجیبی داشتند و به شکل های مختلف مردم را به ادای قرض و بدهکاری خویش فرامی خواندند. از طرفی به مؤ منان سفارش می کردند که به مدیون و بدهکار فرصت کافی دهند. روزی به منبر رفت و بعد از حمد و ثنای الهی فرمود: حاضرین به غائبین برسانند، هر کس مدیون بیچاره خود را مهلت دهد خدا ثواب صدقه را به اندازه روزهایی که مال خود را وصول ننموده است به او خواهد داد.

فردی به نام کعب می گوید: کسی به من مدیون بود. او را در مسجد نگاه داشتم و نگذاشتم خارج شود. پیامبر (ص) آمد و به منزل خود رفت در حالی که هر دو نشسته بودیم . پس پیامبر در موقع شدت گرما، پرده منزل را بالا زد و فرمود: ای کعب شما تا حالا نشسته اید؟ گفتم : بله یا رسول الله (ص) پدر و مادرم به فدایت باد. فرمود: «نصف طلب خود را از او بگیر.» من هم نصف گرفتم و نصف دیگر را رها کردم .

در نقلی آورده اند جنازه مسلمانی را آوردند تا رسول خدا بر او نماز گزارد. پیامبر به اصحاب فرمود شما بر او نماز بخوانید. اصحاب گفتند: یا رسول الله (ص) چرا شما بر او نماز نمی گزاری ؟ فرمود: بدهکار مردم است . ابوقتاده گفت : من ضامن می شوم که قرض او را

ادا کنم . پیامبر فرمود آیا به طور کامل ادا خواهی کرد؟ ابوقتاده گفت : به طور کامل ادا خواهم کرد آنگاه پیامبر بر او نماز گزارد.

سیره رسول اعظم (ص)، تشویق کارگران و کشاورزان بود و مردم را به کشاورزی ترغیب می کرد. آورده اند چون حضرتش از غزوه تبوک برگشت، سعد انصاری به پیشواز ایشان آمد. پیامبر با او مصافحه کرد و از زندگی اش پرسید. سعد گفت: یا رسول الله بیل و کلنگ می زنم که مخارج عیالاتم را تأمین نمایم. پیامبر (ص) دست او را بوسید و فرمود: این دستی است که آتش به او نخواهد رسید!

«جبه» و «سوار» پسران خالد بر پیامبر (ص) وارد شدند، دیدند حضرت مشغول بنّایی است. فرمود: «بیایید جلو کمک کنید.» آمدند و چون کار تمام شد، پیامبر به ایشان مزد داد و فرمود مادامی که زنده هستید از رزق مایوس نشوید، هیچ مولودی را مادر نمی زاید مگر آنکه هنوز پوست نبسته، خداوند روزی او را می رساند. کارگری را که خوب کار می کرد تشویق می نمود و سفارش کارگران را تا آنجا نمود که فرمود: قبل از آنکه عرق کارگر خشک شود، مزد او را بدهید. و کسی که مزد کارگر را ندهد و بر او ظلم نماید، عملش پوچ و بوی بهشت بر او حرام می گردد، در حالی که بوی بهشت از پانصد سال راه به مشام می رسد.

9. ترغیب به کشاورزی

سیره حضرت بر تشویق به کشاورزی بود و می فرمود: هر کسی درختی بکارد و برای تربیت آن شکبیا باشد تا به ثمر برسد، هر که از آن بهره مند شود، ثواب صدقه ای نزد خداوند دارد. او از فروش باغ و نخل نهی می کرد و می فرمود: نخل چیز خوبی است، هر کس آن را بفروشد، بهای آن همچون خاکستری است بر قلّه کوه در معرض طوفان، مگر آنکه با بهای آن ملک دیگری بخرد. و امر می کرد که زمینهای خود را خودتان بکارید و اگر نمی توانید، زمین را به برادر دینی خود واگذار کنید تا او بکارد. کشاورزان را مورد حمایت قرار می داد. به علی (ع) فرمود: «یا علی مبادا با حضور تو بر کشاورزان ظلم شود یا بر مالیات ایشان افزوده گردد!» این حمایت تنها ویژه مسلمانان نبود بلکه در فتح خیبر هنگامی که یهودیان به پیامبر شکایت کردند که بعضی از مسلمانان از ایشان چیزی بدون پرداخت بهاء آن می گیرند. حضرت فرمود: که همه جمع شوند و اعلام فرمود: «مال آنها را بر مال و جانشان امان داده ایم، تصرف در مال ایشان جز به حکم قانون روا نیست.» بعد از آن مسلمانان بهای سبزیجات و دیگر محصولات ایشان را می پرداختند.

10. اشتغال زایی و فقرزدایی

سیره پیامبر اعظم (ص) بر این بود که برای آحاد جامعه شغل مناسب در نظر گرفته شود و همه با کسب درآمد حلال هزینه زندگی خود را تأمین نمایند. بنابراین سیره حضرتش بر این بود که دیگران را به کارهای تولیدی و خدماتی تشویق نماید. در روایات آمده است که هرگاه مردی را ملاقات می نمود، سؤال می کرد آیا شغلی داری؟ اگر می گفت بیکار است، می فرمود (این شخص) از چشم من افتاد. عرض می کردند چرا؟ می فرمود: زیرا اگر مؤمن بیکار باشد، دین خود را اسباب معیشت خود قرار می دهد. چون بیکاری مردم مایه گستاخی و ناسپاسی و موجب شیوع کارهای زشت می گردد. فرد بیکاری از فرط گستاخی و بیهودگی و ناسپاسی به کارهایی دست می زند که برای خود و اطرافیانش زیانهای

زیادی به بار می آورد. به همین دلیل حضرت به افراد بیکار سرمایه می داد تا به شغل آبرومندی دست یابند و یا به گونه ای آنها را راهنمایی می نمود که بتوانند شغل درآمدزایی داشته باشند. روزی یکی از انصار به حضرت مراجعه نمود و از فقر شکایت نمود و گفت : ممکن است تا برگردم برخی از اهل منزل از گرسنگی تلف شده باشند! به او فرمود: برو ببین چیزی در خانه ات هست . رفت و فرش پاره ای و قدحی آورد. پیامبر به اصحاب فرمود: چه کسی اینها را می خرد؟ یکی به دو درهم خرید. پیامبر فرمود: با یک درهم برای اهل خانه ات غذایی فراهم کن و با یک درهم تبری بخر و نزد من بیا. او چنان کرد و پیامبر فرمود: حالا به فلان درّه برو و خار و هیزمی را رها مکن و همه آنها را جمع کرده و بفروش و تا ده روز پیش من نیا. او رفت پس از ده روز آمد و گفت : «یا رسول الله در این فرمان که دادی برکت بود.» پیامبر (ص) فرمود: این کار و تلاش ، برای تو بهتر است از آنکه در قیامت بیایی و لکه سیاه گدایی در روی تو باشد!

سیره حضرت بر این بود که افراد با کمکهای مالی بلاعوض مانند صدقه و زکات بد عادت نشوند و آنان را به کار و تلاش ترغیب می نمود تا بر بازوان خویش تکیه و معاش خود را تاءمین نمایند. نزد پیامبر گفتند فلانی نماز زیاد می خواند و روزه می گیرد. حضرت فرمود:

چه کسی او را آب و نان می دهد؟ گفتند: همه ما. فرمود: «همه شما از او برترید!» پیامبر اعظم (ص) برای رفع وابستگی ها و ایجاد شخصیت مستقل و باعزت برای انسانها، با روحیه وابستگی و سربار دیگران بودن مبارزه می کرد و انسانها را تشویق می کرد که از دسترنج خویش ارتزاق کنند. به همین دلیل می فرمود: «کلوا من کَدِّ أیدیکم» ؛ از دسترنج خویش بخورید و هر کس از دسترنج خویش بخورد خداوند با نظر رحمت به او نگاه خواهد کرد و او را عذاب نمی کند. تقویت همین روحیه باعث می گردد که در اجتماع پدیده ناهنجار تکدی گری رواج پیدا نکند. حضرتش در سفری با اصحاب و یاران خویش در نزدیک برکه ای بود توقف کرد. سپس به سوی آب رفت و بدون آنکه به کسی چیزی بگوید مجدّد به سوی شتر خویش برگشت . پرسیدند چه می خواهید؟ فرمود می خواهم زانوی شتر خویش را ببینم . گفتند اجازه دهید ما این کار را انجام می دهیم . فرمود: «لَا یَسْتَعْنِ أَحَدُکُمْ بِالنَّاسِ وَلَوْ فِی قُضْمَةٍ مِنْ سِوَاکِ» کارهای خود را خود انجام دهید و هرگز از دیگران ، اندازه یک چوب مسواک ، کمک نخواهید.

11. مبارزه با امتیازخواهی

بسیار اتفاق می افتد که اطرافیان کسانی که در راءس امور قرار می گیرند از مقام و قدرت آنان سوء استفاده کنند و به امتیازات و امکاناتی بهتر و بیشتر از دیگران دست یابند.

اما سیره پیامبر اعظم (ص) چنین بود که هیچ گاه اجازه ندادند اطرافیان و خویشانش ، امتیازی بالاتر از دیگران بخواهند. از امام صادق (ع) روایت شده که در زمان نزول آیه زکات عده ای از بنی هاشم نزد آن حضرت رفتند و تقاضا کردند که به سبب خویشاوندی ، جمع آوری زکات را به آنان واگذار کند تا سهمی از زکات از آن ایشان (به عنوان کارمندان جمع آوری کننده زکات) باشد. رسول خدا (ص) فرمود:

«صدقه و زکات بر من و بنی هاشم حرام است ... آیا فکر می کنید من دیگران را به شما ترجیح می دهم ؟ بدانچه خدا و رسولش به آن رضایت داده اند، راضی باشید!» آنان نیز رضایت دادند و رفتند. در واقع حضرت با این سخن هم دل آنان را راضی نمود و هم امتیازخواهی آنان را بی پاسخ گذاشت .

رسول خدا (ص) تاءکید داشت که خویشاوندان او دریابند که آن حضرت خیرخواه و دوستدار آنان است و اینکه به

آنان اجازه نمی دهد به واسطه خویشاوندی با آن حضرت از امکانات ویژه برخوردار شوند، صلاح ایشان است ، و نیز تاءکید داشت که دریابند هر کس در گرو عمل خود است و هیچ کس بدون انجام عمل صالح رستگار نخواهد شد.

امام باقر (ع) فرمودند:

رسول خدا بر کوه صفا ایستاد و فرمود: ای بنی هاشم ، ای فرزندان عبدالمطلب ! همانا من فرستاده خدا به سوی شما و خیرخواهتان هستم . من در گرو عمل خود هستم و هر یک از شما هم در گرو عمل خودتان هستید، نگوئید محمد (ص) از ماست و هر جایی او داخل شد ما داخل می شویم !
بعد از رسول خدا (ص) علی (ع) نیز بر سیره پیامبر (ص) بود و به هیچ یک از نزدیکان خود امتیاز ویژه نداد و با هرگونه سوء استفاده خویشاوندان و دوستان از بیت المال به شدت مقابله نمود. داستان برخورد با عقیل ، برادر خویش در موضوع سهم بیت المال و نیز عاریت گرفتن گردنبندی توسط یکی از دخترانش از بیت المال و مقابله حضرت با او، شاهد همین مدعاست .

12. پرهیز از رفاه طلبی و اشرافی گری

سیره حضرت مبارزه با روحیه اشرافی گری و رفاه طلبی بود. برای این منظور مقام و منصب های حکومتی را به اشراف و ثروتمندان نمی داد و از آنان هدیه قبول نمی کرد. به طور مثال عباس ، عموی پیامبر و ربیع بن حارث ، پسران خود را نزد پیامبر (ص) فرستادند تا آنها را متصدی صدقات کند، اما پیامبر نپذیرفت . هدیه پیامبر به افرادی که روحیه رفاه طلبی و اشرافی گری داشتند زمین بایی بود که می بایست آباد می گشت . به طور مثال به حسان بن ثابت انصاری زمین بایی دادند تا آباد کند.

حضرت ساختن خانه های مجلل و پوشیدن لباسهای تجملی را نیز ممنوع کردند تا ساده زیستی در جامعه گسترش بیشتری پیدا کند و چشم هم چشمی ها رخت بربندد. به طور مثال بر تن عبدالله بن عمرو عاص دو جامه به رنگ سرخ دید. فرمود این جامه کافران است ، بر تن مکن ، و یا آستین بلند پیراهن «علاء بن حضرمی» را هم کوتاه نمودند.

روزی مرد ثروتمندی با لباسی نو و مرتب نزد پیامبر اکرم (ص) نشست . پس از مدت کوتاهی مرد فقیر و کهن جامه ای آمد و کنار مردی ثروتمند نشست . ثروتمند لباس خود را جمع کرد. پیامبر فرمود: آی ترسیدی که از فقر او به تو هم برسد؟ گفت : نه . فرمود: ترسیدی از ثروت تو چیزی به او بچسبد؟ گفت : نه . فرمود: ترسیدی لباس پاکیزه تو را چین و چروک کند؟ گفت : نه . پرسید: پس چرا لباس خود را از او دور کردی ؟ گفت : یا رسول الله ، شیطان من ، هر فعل قبیحی را در نظر من زینت می دهد و هر خوبی را زشت می نماید. من در عوض این عمل ، نصف دارایی خود را به او بخشیدم ! پیامبر از فقیر پرسید: نصف دارایی او را قبول می کنی ؟ فقیر گفت : نه ! ثروتمند پرسید: برای چه ؟ گفت : می ترسم مثل او شوم !

13. ترویج ساده زیستی

یکی از مهمترین رفتارهای پیامبر اکرم (ص) ساده زیستی آن وجود بزرگوار و مبارک بود. در روایت است که هرگز از نان گندم سیر نشد. چون بردگان غذا می خورد و همانند آنها می نشست بر روی خاک غذا می خورد و از همه گونه غذا تناول می کرد.

زیراندازش حصیر بود و بالشی از چرم داشت که درونش را از لیف خرما انباشته بودند. غالب قوتش نان جو و خرما بود. گاه بر مرکب بی زین سوار می شد و جامه و کفش خود را با دست خود وصله کاری می نمود و با دست خود شیر می دوشید و گندم را دست آس (آرد) می کرد.

یکی از جملاتی که در وصف پیامبر اعظم (ص) گفته اند: «كَانَ رَسُولَ اللَّهِ (ص) خَفِيفُ الْمُؤْنَةِ» یعنی در زندگی ساده زیستی را انتخاب کرده بود. در خوراک ، پوشاک ، در مسکن ، معاشرت ، روشش سادگی بود. این سیره روشن زندگی حضرت راهی برای ترویج این فرهنگ و در نهایت سعادت‌مندی جامعه است .